

افضا در خانواده و نقش آن



زندگی سرفه برخوردارند ، بهیچوجه از طغیان بزهکاری نوجوانان در اسان نیستند. بررسيهائی که در اينمورد ، در برخی از کشورهای اروپائی و از جمله در «آلمان فدرال» انجام گرفته نشان ميدهد که تعداد جوانان بزهکار، علیرغم فراوانی کار و وضع مساعد اقتصادی پس از جنگ جهانی دوم بشدت رویه افزایش گذاشته است . این موضوع شیوع بزهکاری اطفال و نوجوانان اروپائی را در دوران قبل از جنگ جهانی دوم بخاطر میآورد .

منظور همان دوره بحرانی بزهکاری است که با وجود مشکلات اقتصادی، تا سال ۱۹۲۹ میلادی در کشورهای مختلف اروپا و آمریکا ادامه داشت .

بررسيهائی آساری در کشور فرانسه ، کاهش سرقتهای مسلحانه از نوع گانگستریسم و ازدیاد جرایم دیگری نظیر «سرقت ساده» و تخریب آثار هنری و اشیاء عمومی (که در آنها مخالفت نسبت بمقررات اجتماعی، عامل اصلی جرم را تشکیل میدهد)

در باره نقش عوامل اقتصادی در جرائم اطفال ، تاکنون بحثهای موافق و مخالف بسیار در جرایم و کتب در گرفته است . ولی یک نکته مسلم است و آن اینکه بدون شک بهبود وضع اقتصادی یک جامعه یا خانواده، لزوماً کاهش بزهکاری جوانان و نوجوانان را در بر ندارد . بلکه برعکس ، درپارهائی موارد آمار نشان داده است که یک زندگی سرفه و خوب ، بخودی خود میتواند منبع بسیاری از مسائل مربوط به جوانان و اطفال باشد .

شاید این نکته بدین علت است که پارهائی از مسائل قدیمی و کهنه خانوادگی و اجتماعی که در حال عادی لاینحل بوده و در زیر نقاب (فقر) پنهان شده اند ، هنگامیکه این نقاب کنار برود چهره عبوس خود را نشان داده و بوضوح بیشتری خودنمایی میکنند .

نتیجه هرچه باشد ، این نکته مسلم است که آن دسته از کشورهایی که از یک

زیر هکارتی افعال و نوجوانان



لازم بتوضیح است که دوره بلوغ و نوجوانی ، در روزگار ما بیش از هر وقت دیگری یک دوره بحرانی توأم با سرگشتگی را تشکیل میدهد . زیرا در همین سنین (بین ۱۳ تا ۱۸ سالگی) است که کودکان کم کم به رشد جسمی و عقلی میرسند و چیزهایی از زندگی اجتماعی درک میکنند که قبل از آن برایشان قابل ادراک نبوده است . در اغلب کشورها بسیاری از نوجوانان پس از خاتمه دوره شش ساله ابتدائی ، ترک تحصیل نموده و به کار کردن در اجتماع روی میآورند . به زعم بسیاری از آمارگران و محققین مسائل اجتماعی، درست از همین هنگام است که مشکلات روحی و روانی نوجوانان در سواجهه با زندگی اجتماعی آغاز میشود . زیرا حقیقت این است که جوانان با دریافت دستمزد مستقل ، بطور ناگهانی «قدرت خرید» پیدا میکنند و گاهی این قدرت خرید بالاتر از میزان قدرت خرید والدینشان میباشد متأسفانه این استقلال مالی غالباً

متعکس میسازد . باید تذکر داد که بررسیهای اشاره شده، در فوق مربوط به بزهکاران خردسال متعلق به خانواده های مرفه الحال بوده است . البته باید برای رسیدن به نتایج قطعی ، اطلاعات بیشتری در مورد سوابق اقتصادی و اجتماعی همه بزهکاران جوان داشت تا بتوان با سوابق کودکان عادی غیر بزهکار که در همان سنین بسر میبرند مقایسه نمود .

وانگهی اطلاعات مزبور باید مدت مدیدی بکار برده شوند، تا اینکه هر نوع تغییر احتمالی در جرایم اطفال بطور واضح قابل تشخیص و تمیز باشد . برخی از متخصصین جرایم اطفال و محققین اجتماعی عقیده دارند که پیدایش رفاه مادی در وضع زندگی جوانان آثار عدیده ای باقی میگذارد ، که گاهی ناخودآگاه آنانرا بسوی طغیان بر علیه نظام اجتماعی موجود و ستیزه جوئی با اجتماعی که در آن زندگی میکنند ، میکشاند .

همزمان با دوره‌ای شروع می‌شود که نوجوانان در اوج بحران روحی و طغیان‌غرایز طبیعی هستند. بدین لحاظ چه بسا ممکن است روح ضعیف چنین نوجوانی تاب تحمل این استقلال ناگهانی و خود مختاری بازیافته را نیاورده و صاحب خود را به نشان دادن عکس-العملهای نابخردانه و ادا نماند . حقیقت آنست که نوجوانان بلحاظ اینکه سالهای کودکی را غالباً در تحت انقیاد پدر و مادر پامراقبت شدید اولیای مدارس گذرانده‌اند ، بطور ناخودآگاه غالباً از این استقلال ناگهانی بیم دارند . زیرا حس مسئولیت و رشد عقلانی آنها بمیزان توانائی مادی جدید آنها نیست . این موقعیت ، وضع مشکلی در روابط فیما بین جوانان و اولیای آنان ایجاد مینماید . و غالباً عکس‌العمل والدین آنها بصورت ترک مسئولیتها یا بصورت اتخاذ روشهایی جهت تحمیل اراده خود به نوجوانان ظاهر میگردد . در پی نظمی‌هایی که بدینصورت بوجود میآید. نوجوانانی که برای بزهکاری زمینه مساعد قبلی داشته‌اند بارتکاب جرایم بمنظور ستیزه‌جوئی و نشان دادن مخالفت باطنی خود با اجتماع و پدر و مادر خویش سبادت میورزند . در این شرایط است که مشکلاتی از لحاظ راهنمایی و اداره کردن گروههای جوانان سرکش در بعضی کشورها بوجود میآید و لزوم چاره‌جوئی فوری در جهت رفع مشکلات جوانان بخوبی احساس و استنباط میگردد . بسیاری از جوانان ترجیح میدهند اوقات تفریح خود را در دانسینگ‌ها ، بارها ، کافه تریاها ، و یادراماکنی که بتوانند از هرگونه مراقبتی فرار کنند و یا لااقل نظارت بر آنها ناچیز باشد، سپری نمایند .

البته جوانان ضعیف‌تر ، دوست دارند که خود را تحت نفوذ افرادی که دارای روحیه قوی‌تری هستند و اعتماد و سمپاتی آنها را بخود جلب میکنند، قرار دهند و از همینجاست که باندهای جوانان ضد اجتماعی و عصیانگر بوجود میآید . آنچه در این قسمت مذکور افتاد، البته مربوط است به رفاه مادی شخصی جوانان ، و در آنچه که مربوط به رفاه خانوادگی آنان میگردد ، در اینجا باید توضیح داد که در کشورهای بسیار پیشرفته نیز که وضع اقتصادی خوبی دارندگاهی اوقات اختلاف زندگی طبقاتی ، زمینه مساعدی جهت بزهکاری اطفال ایجاد مینماید ، و این وظیفه اجتماع است که از فاصله زندگی طبقاتی بکاهد و تجمع ثروت را در اجتماع تعدیل نماید .

تحقیقاتی که از طرف قسمت اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل متحد ، در انگلستان در همین زمینه انجام شده است نشان میدهد که در بنادر بزرگی نظیولیورپول ، بریستول ، کاردیف و لندن ، کارگران بندر که زندگی فقیرانه‌ای داشته و در سحلات پست و کثیف شهر زندگی میکنند ، عموماً فرزندان شان به ورطه ارتکاب جرم و جنایت سقوط کرده‌ و از هر خانواده یکی دوتفر در دادگاههای اطفال مورد حکم قرار گرفته‌اند. دلیلی که متخصصین اسر برای ازدیاد جرایم اطفال در میان طبقات کارگری سطح پائین اجتماع میآورند ، اینست که معمولاً فرزندان اینگونه طبقات بر اثر زندگی فقیرانه خود مورد تحقیر دیگران قرار میگیرند و هرچه آنها بیشتر مورد تحقیر قرار گیرند ، رفتارشان بیشتر غیر عادی و ضد اجتماعی میشود . برای کودکان متعلق



توجه کودکان به مسائل و مطالبات

جوانان و اطفال بطورکلی انکار نمود . تحقیقاتی که در اینمورد درکشور انگلستان و بعضی کشورهای اروپائی انجام شده ، نشان میدهد که ضریب بزهکاری جوانان غالباً در شهرهای مدرن و بزرگ صنعتی، از شهرهای کوچک و قدیمی بیشتر است . آمارهای منتشره نشان میدهد که روابط مستحکم و صمیمانه خانوادگی و حفظ آداب و سنن اخلاقی که باعث همبستگی اشخاص میشود ، غالباً بهمان اندازه که یک زندگی مرفه و یک مسکن تمیز و مناسب درکم کردن بزهکاری اطفال مؤثر است ، در تقلیل این جرایم واجد اهمیت میباشد . زیرا در شهرهای کوچک و بین خانوادههایی که

باین خانوادهها بسیاری از اعمال روزانه که فعالیت عادی آنها را تشکیل میدهد جنبه ضد اجتماعی و سجرمانه دارد .

وضع زندگی اینگونه طبقات که علیرغم پیشرفت اجتماعی کشورشان که زندگی رقت انگیز آنان شکاف عمیق طبقاتی موجود در جامعهشان را آشکار مینماید ، امروزه در کشورهای صنعتی اروپا و آمریکای شمالی یک مسئله اجتماعی روز را تشکیل میدهد . تأثیر دستمزدهای گزاف بر روی زندگی نوجوانان تاکنون مورد مطالعه روانشناسان و جامعه شناسان در بسیاری از کشورهای قرار گرفته است . اما نمیتوان تأثیر سایر شرایط زندگی در اجتماعات فعلی را در مسئله بزهکاری

روابط صمیمانه و دوستانه حکم فرما است ،
 یکنوع نزدیکی و همبستگی خاصی وجود
 دارد که غالباً در زندگی شهرهای بزرگ
 وجود ندارد . بدین توضیح که در شهرهای
 بزرگ معمولاً خانواده‌ها از یاقتن دوستان
 و همسایگانی که بتوانند روی آنها حساب
 کنند و کودکان آنها کودکان دیگر را
 بشناسند و احساس کنند که بهنگام احتیاج
 بدرد آنان خواهند خورد محروم میباشند .
 یکی دیگر از مسایلی که در شهرهای بزرگ
 سوجبازدیداد جرایم اطفال میشود تسهیلات
 واسکاناتی است که در مخفی نمودن جرم
 و فرار از مجازات وجود دارد . مسئله دیگر
 که بازدیداد جرم کمک میکند وجود برنامه -
 های غلط تلویزیونی است . تحقیقات در
 انگلستان نشان داده است که رفتار طبیعی
 و عادی کودکان ، بوسیله برنامه‌های

تلویزیونی تعلیم دهنده خشونت و خیانت
 تحت تأثیر قرار گرفته است . همچنین نسبت
 بکودکانیکه تاکنون علائم بی‌ثباتی عاطفی
 از خود نشان داده‌اند ، برنامه‌های تلویزیونی
 بی‌تأثیر نبوده است . برای این کودکان اجرای
 چنین برنامه‌هایی بطور قطع تأثیر نامساعدی
 خواهد داشت . بعلاوه ، بنظر میرسد
 کودکانی که دارای هوش کمتری هستند
 بیشتر برای دیدن برنامه‌های تلویزیونی
 رغبت نشان میدهند تا برای تحصیل و یاسایر
 فعالیتهائی که با پیشرفت اجتماعی و آتیه
 آنها بستگی دارد . موضوع دیگری که از این
 بررسیها استنباط میشود اینست که شرح اعمال
 جنائی واقعی و نشان دادن نمونه‌های بر خورد
 و منازعه بین پدر و مادر و یا بین والدین
 و اطفال در برنامه‌های تلویزیونی یا سینمایی
 خیلی بیشتر روی اطفال اثر میگذارد، تا نشان





پژوهشگاه علوم انسانی
مجله مطالعات علمی

هزاران جوان اروپائی ، تعطیلات تابستانی خود را در کنار پلاژها یا در کامپینگ‌ها و بیلاکات مختلف ، بدون مراقبت و مواظبت کافی وبدون داشتن وسائل مادی کافی میگذرانند ، بطوریکه تعدادی از آنها بمنظور سرپیچی از مقررات قانونی بطرق مختلف برانگیخته و تحریک میشوند و عواقب ناگواری برای خود واجتماع خویش فراهم مینمایند . برمسئولان اجتماعی است که با ایجاد محیطهای پاک و تفریحات سالم ، جوانان ونوجوانان خود را به راه صواب هدایت کرده واز بروز جرائم گوناگون جوانان بجنح قاطع ومؤثری جاوگیری نمایند.

دادن برنامه هائی که با حقیقت وفق نمیدهد... در مورد سینما نیز تحقیقات آماری نشان میدهد که بیشتر نوجوانان در همه کشورها از مشتریان پروپاقرص این سالنهای تاریک هستند . بعضی از متخصصین عقیده دارند که فقدان ارزشهای مثبت اجتماعی در اکثر فیلمها ، و نشان دادن این مسئله که خشونت و قساوت قسمت اعظم زندگی روزانه جوامع تمدن اسروزی را نشان میدهد ، میتواند نتایج زیان بخشی در ذهن اطفال بوجود آورد. علاوه براین ها ، پدیده دیگری بنام «هیپی گری» وزندگی کولی وار در کشورهای غربی وجود دارد که درخور توجه است :